

نقش حکمرانی خوب در مدیریت روستایی

بهمن خسروی پور^۱، الهام خسروی پور^{۲*}، زهرا تیموری کوهسار^۳

۱- استاد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

۲- کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت منابع انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر

۳- دکتری، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

*khosravipour1400@gmail.com

ارسال: دی ماه ۱۴۰۱ پذیرش: بهمن ماه ۱۴۰۱

چکیده

توجه به ساختار مدیریتی در جوامع روستایی یکی از موضوعات اساسی در تحلیل مسائل توسعه روستایی در کشور محسوب می شود. رویکردهای مختلفی در زمینه مدیریت روستایی مطرح شده است که یکی از جدیدترین و مهم ترین آنها حکمرانی خوب روستایی است. حکمرانی خوب مدل جدیدی برای توسعه است که از طریق روابط متقابل و همکاری بین سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی باعث توسعه یک جامعه می گردد و در تمام سطوح جهانی، منطقه ای، ملی و محلی قابل اجرا است. حکمرانی خوب روستایی فرایند نوینی است که با دارا بودن شاخصهایی متفاوت از الگوهای مطرح شده در نظام مدیریت روستایی پیشین از طریق زمینه سازی مشارکت مردم روستایی و بخش خصوصی، باعث توانمندسازی ساکنین نواحی روستایی در زمینه های مختلف و در نتیجه حل مشکلات روستاییان و توسعه روستاها خواهد شد. با توجه به شاخصهای مطرح شده در این تحقیق می توان نتیجه گرفت که حکمرانی خوب روستایی می تواند رویکردی مناسب در ساختار مدیریت روستایی و توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریت توسعه روستایی باشد و با وجود موانع موجود در مدیریت توسعه روستایی، این الگو می تواند راهکار مفیدی برای حل مشکلات مدیریت توسعه روستایی باشد. هدف از انجام این پژوهش، که به صورت مروری و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی تهیه شده است بررسی نقش حکمرانی خوب در مدیریت روستایی می باشد.

کلمات کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب روستایی، مدیریت روستایی.

۱- مقدمه

در دهه های اخیر در جهت اداره و مدیریت و همچنین توسعه روستایی، موضوع گذار از دولت به سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی، حکمرانی خوب در مناطق روستایی مطرح شده است که مرز بین حکومت و جامعه مدنی محسوب می شود و بنحوی بر مشارکت حکومتها، شرکتهای خصوصی، شهروندان و اجتماعات محلی برای طراحی و پیاده سازی سیاستهای اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست محیطی اشاره دارد [۱]. یکی از ابعاد منطقه ای حکمرانی، حکمرانی محلی است که به کیفیت اداره امور محلی در حوزه های شهری و روستایی اشاره دارد. مفهوم حکمرانی محلی، وسیعتر از حکومت محلی (واحد سیاسی و سازمان قانونی در قلمرو محلی) و بیانگر اقتدار سیاسی، اقتصادی و مدیریتی به وسیله شبکه ای از کنشگران رسمی حکومت محلی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی در حوزه های شهری و خصوصاً روستایی است [۲]. آنچه که محلی بودن حکمرانی را تعیین می کند میزان مشارکت مؤثر ساکنان و کنشگران محلی در تعیین آرمانها و خواسته های محلی و تلاش مشترک

برای تحقق اهداف و خواسته های جامعه محلی است [۳]. در حکمرانی محلی، شبکه ای از کنشگران حکومت محلی، بخش خصوصی، تشکلهای غیردولتی، مدنی و نمایندگان دولت مرکزی، اولویتها و مسائل محلی را شناسایی و برای تحقق خواستها و رفع مشکلات با یکدیگر تشریک مساعی می کنند. بنابراین حکمرانی محلی اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور جامعه محلی و شامل سازوکارها، جریانها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروهها علائقشان را ابراز و حقوقی قانونیشان را اعمال می کنند تعهداتشان را انجام می دهند و به تعدیل تفاوتهایشان می پردازند [۴]. موضوع حکمرانی روستایی به ضرورت توسعه روستایی که فرآیندی چندبعدی و متضمن بهبود مستمر کمی و کیفی جامعه روستایی است در سالهای اخیر مورد توجه صاحب نظران توسعه روستایی قرار گرفته است. این رهیافت که از دهه ۱۹۹۰ به بعد در ادبیات توسعه و به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی مطرح شد، به عنوان یکی از الزامات توسعه پایدار منطقه ای و محلی شناخته شده که در بطن خود دو مفهوم توانمندسازی و مشارکت را می پروراند [۵].

در حال حاضر مدیریت روستایی در ایران با مسایل و مشکلاتی مواجه است که نیازمند توجه از سوی مسئولین و سیاستگذاران می باشد. این چالشها شامل مواردی مانند عدم تبیین مبانی تئوریک، فقدان مدیریت واحد روستایی، نبود منابع مالی پایدار، کمزنگ بودن مشارکت مردم محلی، وضعیت آموزش نیروی انسانی، دسترسی به تجهیزات، ابزارها و تأسیسات می باشد [۶]. برای تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله ایران در فضاهای روستایی و از سوی دیگر نیاز به سازکارهای جدید مدیریتی با گسترش نظریات و تجربیات در خصوص مدیریت مطلوب روستایی، شاخصهایی تحت عنوان حفظ تعادل بین نیازهای اجتماعی و اقتصادی و محیطی نسل حاضر و آینده از طریق توسعه انسانی پایدار، تغییر پارادایمی را در اداره امور ایجاد کرده است. این تغییر پارادایم به ورود مفاهیمی مانند مشارکت شهروندی، جامعه مدنی، شفافیت، پاسخگویی، عدالت و برابری در کنار کارایی و اثربخشی در حکومت محلی / روستایی انجامیده است و حکمرانی مطلوب را به عنوان پیش شرطی برای توسعه پایدار و الگوی مناسبی برای مدیریت روستایی معرفی می کند [۷]. در حال حاضر برنامه ریزها و سیاستگذارهای از بالا به پایین و آمرانه که توسط دولت مرکزی صورت می پذیرفت، توسط مدیریت مشارکتی که مبتنی بر حکمرانی خوب است، به چالش کشیده شده است. مفهوم حکمرانی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومتها به جای آنکه به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند [۸].

بنابراین لزوم توجه به مدیریت روستایی با توجه به تئوریهای مدیریتی نوین برای نواحی روستایی ایران که از فقدان مدیریتی واحد رنج می برند، ضرورت می یابد. برای تحقق و عملیاتی کردن توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم انداز روستایی، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه ها، شیوه های برنامه ریزی، قوانین، رویه ها، سبکها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه ای و شبکه ای کردن آنها ضرورت دارد [۶]. با وجود این شرایط، مدیریت مطلوب روستاهای در حریم شهر به دلیل همجواری با کالبد و محدوده شهرها باید به گونه ای باشد که علاوه بر مستقل بودن از لحاظ مدیریت، تمام شاخصهای حکمرانی مطلوب را نیز به خوبی رعایت کند تا از هم گسیختگی کالبد روستا توسط مؤلفه های پیش نیاید. این تحقیق که به روش مروری و کتابخانه ای انجام شده به دنبال بررسی وضعیت حکمرانی خوب و شاخصهای آن در مدیریت روستایی می باشد.

۲- مدیریت روستایی

با عنایت به تعریف مدیریت به صورت عام، می توان مدیریت روستایی را برنامه ریزی برای روستا، سازمان دهی اقدام توسعه ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست. به عبارت دیگر، مدیریت روستایی علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و ... در جامعه روستایی است. در نتیجه، براساس تعریف توسعه روستایی نیز می توان گفت که مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه روستایی از طریق شکل دهی سازمانها و نهادهای دست اندرکار در اداره مناطق

روستایی است [۹]. مدیریت روستایی را برنامه ریزی برای روستا، سازماندهی اقدام توسعه ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامهای انجام شده دانست. در واقع مدیریت روستایی، علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و ... در جامعه روستایی از طریق شکل دادن به سازمان و نهادهاست [۱۰].

۳- فرایند ظهور مفهوم حکمرانی خوب

شاید برای اولین بار حکمرانی خوب در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی بکار رفته و از سال ۱۹۸۰ به بعد کاربرد این واژه بیشتر گردیده است. بطوریکه بعدها در یک سند بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ که سند " کشورهای پایین صحرای افریقا؛ از بحران تا توسعه پایدار" نامیده شده، آمده است. در متن این سند مهم، اصطلاح حکمرانی خوب، با انواع سیاستهای تطبیقی ساختاری که سالهای متمادی از سوی بانک جهانی دنبال می شد، هماهنگ بود. این سیاستها عبارتند از: مداخله کمتر دولت در تصمیم گیریهای اقتصادی، بخشهای دولتی کوچکتر و کارآمدتر، اداره شفاف بخش دولتی، بازار آزاد و حذف هزینه های دولتی غیرضروری و همگرایی بیشتر با اقتصاد جهانی. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بصورت آشکار، حکمرانی خوب را در پیوند با بستر محیطی می داند که رو به سوی بهره مندی از حقوق بشر و رشد و توسعه انسانی پایدار دارد. برای ایجاد امنیت در حکمرانی خوب بین کشورها، دستاوردهای مشارکتی در توسعه به رسمیت شناخته شده و دستاوردهای تجویزی نامناسب تلقی شده است. با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار بر اصولی چون مشارکت جویی، پاسخگویی و ارتقای حقوق بشر تأکید می گردد و دستورالعملهای تجویزی و اجباری برای ایجاد توسعه موردنظر نخواهد بود [۱۱].

۴- سیر تحولات نظریه های توسعه و خلق نظریه حکمرانی خوب

به طور کلی نظریه پردازان سه دوره را برای نظریه های توسعه که از سوی بانک جهانی ارائه شده در نظر می گیرند:

- دوره دولت حداکثری

- دوره دولت حداقلی

- دوره حکمرانی خوب

دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می یابد. نظریات اقتصاد کینزی دولت را عامل تصحیح کننده شکست بخش خصوصی می دانستند که با طرحهای عمرانی دولتی، فرایند توسعه را تسریع می بخشید. اما شرکتهای دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان ده هستند.

در دوره دوم و رویکرد مکتب شیکاگو که به اجماع واشنگتنی معروف شد باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمتها جای تخصیص دولتی منابع را می گرفت. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی بهترین نتایج را به بار می آورد و قیمتها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند. هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی بوجود می آورد ضد تولیدی است. نگاه به دولت از "عامل توسعه" به جدی ترین "مانع توسعه" تغییر یافت.

فرض می شد که نهاد دولت تحت فشار گروه های هم سود، به دستگاه تولید و توزیع افزونه تبدیل می شود؛ پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است. از آن پس موجی تازه از نظریات و رویکردها آغاز شد. اگر شعار دوره اول "دولت، موتور توسعه" ذکر شود، شعار دوره دوم "دولت کوچک" است اما در دوره سوم ماهیت مسأله تغییر یافت، در دوره های پیشین مسأله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسأله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است [۱۲].

بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ در گزارشی به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخت. در این گزارش، که ناشی از نگرانیهای مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی بود، مفهوم حکمرانی خوب مطرح شد. این گزارش بیان می کرد که ضعف در به کارگیری و عملی کردن اصول حکمرانی خوب، یکی از مهمترین موانع رشد و توسعه در کشورهای افریقایی است. در تجدیدنظر بانک جهانی در سیاستهایش و ارائه این اندیشه از سوی

آن، سه عامل نقش اساسی داشته‌اند: ۱- تجربه اروپای شرقی؛ ۲- بحران شرق آسیا؛ ۳- تجربه چین. در واقع تجربه کشورهای اروپای شرقی و بحران شرق آسیا نشان داد که وقتی بدون دولت خوب، اقتصاد آزاد شود، بحران ایجاد می‌شود و تجربه چین نشان داد که در یک نظام اگر دولت اختلال‌ها را درست مدیریت کند، می‌تواند به نتایج مطلوبی بینجامد.

۵- حکمرانی و حکمرانی خوب

برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی را نظامی از ارزشها، نهادها و سیاستها تعریف می‌کند که جامعه، مسایل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند [۱۳].

برای حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده است. البته روح حاکم بر همه آنها تفاوت چندانی با هم ندارد. به عبارت دیگر هر کدام از تعاریفی که از این مفهوم بیان شده، بعد یا ابعاد خاصی از آن را مورد توجه خود قرار داده و بر مبنای آن به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. در ادامه به چند تعریف از تعاریف ارائه شده در باب حکمرانی خوب اشاره خواهد شد:

یک تعریف حکمرانی خوب عبارت است از نظامی از ارزشها، سیاستها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. در تعریفی دیگر، حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی است [۱۴].

تعریفی دیگر نیز حکمرانی خوب، را این گونه معرفی می‌کند: اصطلاح حکمروایی به معنای تمرکز بر فرایند چگونگی اقتدار و منابع اختصاص داده شده در جهت اقدام کنترل شده و هماهنگ است [۷]. حکمروایی خوب زمانی امکان محقق شدن دارد که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت از محیط زیست و توسعه و رشد زنان تاکید شود [۱۵]. حکمرانی خوب مدیریت صحیح سیاسی، اقتصادی و اجرایی منافع عمومی برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. همچنین وضعیتی است که در آن قدرت، در جهت مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی در راستای رسیدن به توسعه استفاده می‌شود [۱۶]. امروزه حکمروایی خوب یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار و به ویژه توسعه پایدار روستایی است و تحقق پذیری شاخص های کلیدی آن از جمله مشارکت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، قانونمندی، شفافیت، کارایی، اثربخشی، اجماع محوری و عدالت، نماد توسعه پایدار خواهند بود [۵].

در همین راستا بانک جهانی در گزارش ۲۰۱۷، دستیابی به همه اهداف توسعه را مستلزم درک درست از حکمروایی می‌داند و در اعلامیه پیش نویس ونکوور نیز از حکمرانی به عنوان یک پارادایم جدید برای مدیریت بشر نام برده اند [۵]. در هر جامعه ای هنگام جستجو برای راه حل توسعه پایدار، همواره حکمروایی خوب به عنوان یک ابزار حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار معرفی می‌گردد [۱۷]. در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل مولفه های اصلی برای حکمرانی مطلوب بشرح زیر بیان شده است:

مشارکت- قانون محوری- شفافیت- مسئولیت پذیری- جهت گیری هماهنگ و اجماع محور- عدالت- کارایی و اثربخشی- حق اظهار نظر- پاسخگویی [۱۸].

۶- حکمرانی خوب روستایی

سازمانهای بین المللی در صف مقدم حامیان حکمروایی خوب روستایی هستند. آنان معتقد هستند که ظرفیت سازی برای زمامداری درست و مطلوب، ابزار اولیه ریشه کنی فقر و بهره مند شدن عادلانه و برابر همه اقشار مردم از مواهب زندگی و مشارکت در تمامی امور زندگی است. بر این مبنا حکمروایی روستایی عبارت است از فرایند تأثیرگذاری همه ارکان دخیل روستایی بر مدیریت روستایی با تمام ساز و کارهایی که با آنها بتوان به سوی تعالی و پیشرفت روستا و مردم روستایی حرکت کرد. به عبارت دیگر، حکمروایی روستایی همانا به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست-های مردم روستایی هم سو با منافع خودشان است که در عین حال با منافع ملی، منطقه ای و محلی نیز سازگار است. در این میان نقش دولتها بیشتر در چارچوب فراهم کننده بسترهای سخت افزاری و نرم افزاری، از جمله هماهنگ سازی و پاسداری از قوانین و میثاقهای ملی محدود می‌شود و از دخالت مستقیم آنها در تصمیم گیریها و همچنین اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود [۱۹]. منظور از حکمرانی خوب

روستایی این است که توزیع قدرت در مدیریت جامعه ملی نهادینه شود و برابری دسترسی به فرصتها تحقق یابد و مجموعه اینها، یعنی مشارکت همه جانبه روستاییان در اداره ی امور خودشان [۲۰].

[۲۱] در پژوهش خود در شهرستان مشکین شهر، تقویت و بسط آموزش و ایجاد زمینه در جهت تقویت روحیه خوداتکایی، آموزش روستاییان جهت همکاری با بخش دولتی و خصوصی، حمایت دولت از تشکلهای مردم نهاد صنفی و مدنی در راستای تقویت مدیریت محلی، حمایت مالی و اقتصادی از اقشار فقیر و آسیب پذیر روستا، را از جمله سازوکارهای تقویت شاخصهای حکمروایی خوب در روستا تاکید نموده است. چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارتند از:

- بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.
 - بخشهای خصوصی که عهده دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر عهده دارند.
 - جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.
 - سازمانهای محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگهای بومی را به عهده دارند.
- تعامل خوب و روان بین ارکان فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می آورد. حکمرانی خوب صرفاً انجام وظایف نیست بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می شود. هر کشوری می تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگها، ارزشها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید. حکمرانی خوب نباید همراه خود، فرهنگ و ارزشهای خاص را تحمیل نموده یا ارزشهای نادرست را دامن بزند [۸].

[۲۲] در پژوهش خود، ارکان حکمروایی خوب را در شکل (۱) نشان داده اند:



شکل ۱- ارکان حکمروایی خوب [۲۲]

- گروهی از محققان برخی از ویژگی های حکمرانی خوب را به صورت ذیل ذکر نموده اند:
- الف) تقویت کننده ساختارهای دموکراتیک در جامعه
 - ب) تقویت کننده شفافیت، پاسخگویی و توسعه مشارکت جویانه تمامی گروه داران (مدیران بخش دولتی، بخش خصوصی و مردم).
 - ج) به وجود آورنده خط مشی های مناسب اقتصادی و اجتماعی در جهت توسعه پایدار
 - د) کمک کننده در احترام به قانون و حاکمیت قانونی [۲۳].

۷- دلایل توجه به حکمرانی خوب

دلایل توجه به حکمرانی خوب این است که دولتها در آغاز قرن ۲۱، با چالشهای جدیدی مواجه شده اند، از جمله: - در عصر جهانی شدن، دولتها باید واکنش فعالانه ای به فرصتهای مثبت اقتصادی و واکنشهای تدافعی نسبت به فشارهای منفی اقتصادی از خود نشان دهند.

- بروز تغییرات جمعیتی در اکثر کشورها، بر دولتها به عنوان کارفرما و فراهم کننده خدمات تأثیر گذاشته است. جمعیت اکثر کشورها، مسن تر شده است و این جمعیت مسن، خواهان خدمات اجتماعی بیشتری است. همچنین، سازمانهای دولتی باید برای استخدام افراد ماهر و با انگیزه با سازمان‌های غیر انتفاعی و کارفرمایان خصوصی رقابت کند. خصوصاً اینکه سطح دستمزدها در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی پایینتر است. پس، سازمانهای دولتی باید مشوقهای غیر پولی دیگری برای استخدام و حفظ کارکنان با عملکرد بالا شناسایی کنند و این چالشی بزرگ برای آنها خواهد بود.
- بخش دولتی با انتظارات جدید شهروندان تحصیل کرده رو برو خواهد بود. بدین معنی که شهروندان، انتظار دریافت خدمات با کیفیت بالاتری را خواهند داشت. بنابراین دولتها باید قابلیت‌هایی برای شهروندان و ذینفعان فراهم آورند تا آنها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعالتری داشته باشند.
- انتظارات پرسنل سازمانها تغییر کرده است و پاسخگویی به این برخورداری از حکمرانی صحیح در سطح کلان جامعه است [۲۴].
- ظهور مسایل جهانی؛ حل مسایل کلان که در عصر حاضر پدید آمده اند از عهده یک کشور خارج بوده و نیازمند مشارکت فعالانه جهانی برای یافتن راه حلهای مناسب است. امروزه یک مشکل، دیگر یک مسئله صرفاً ملی نیست. برای مثال تمامی جوامع به شکلی منفی تحت تأثیر آلودگی هوا، آب و زمین، بارانهای اسیدی و انفراض گونه‌های مختلف هستند. این بحرانها، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم زیادی برای مردم به همراه دارد [۲۵].
- تغییرات تکنولوژیکی و امکاناتی نظیر کامپیوتر، اینترنت و پدید آمدن عصر اطلاعات نیز نقش مهمی در پیدایش روندهای نوین اداره و مدیریت دولتها به وجود آورده است. این تغییرات، در سطوح جهانی باعث پدید آمدن فرصتهایی برای شهروندان شده تا بتوانند نظریات و دیدگاه‌های خود را بیان دارند و نقش خود را در فرایندهای اداره کشور گسترش دهند.
- محدودیت منابع و ضرورت استفاده بهینه از منابع با توجه به نسلهای آینده.
- استفاده مناسب از ظرفیتهای جهان طبیعی، تعالی بشر و توسعه همه جانبه [۲۴].

۸- شاخص‌های حکمرانی خوب

مشارکت

مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخبشان باشد البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاستها نیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق گردد.

مسئولیت پذیری

در حکمرانی خوب سازمانها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه باید توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

پاسخگویی

پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان-های غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم، خاصه ذینفعان خود، پاسخگو باشند. اینکه پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است بر حسب نوع تصمیمات و فعالیتهای سازمانها و افراد متغیر است. در حالت کلی هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخگوست. نکته مهم اینجاست که پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می‌شود.

عدالت و برابری

در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصتهای برابر برخوردار باشند. رفاه یک جامعه وابسته به تضمین این امر است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه ذینفع هستند. برای تحقق این امر همه گروه های آسیب پذیر باید از حمایت های لازم برای افزایش توانمندی های خود برخوردار باشند.

اجماع سازی

یعنی تصمیمات حکومت بایستی با توجه به منافع درازمدت مردم تهیه شود و از تصمیمات شتاب زده باید خودداری کرد و بایستی از تمام نظرات موافق و مخالف در تصمیم سازی بهره برد تا اجماعی عمومی در بین گروه های سیاسی برای نیل به توسعهی جامعه صورت گیرد. در اجماع سازی مشورت کردن با موافق و مخالف برای تدوین سیاست ها مهم می باشد.

کارآیی و اثر بخشی

حکمرانی خوب به معنای آنست که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و از منابع به بهترین نحو استفاده نمایند. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در بر گیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست [۲۶].

[۱۰] در پژوهش خود، اصول و شاخص های حکمرانی خوب که برگرفته از نتایج تحقیقات محققان بانک جهانی، موسسات مختلف بین المللی همچون EIU، ICRG، بنیان هر تیج بوده را در جدول (۱) نشان داده اند:

جدول ۱- اصول و شاخص های حکمرانی خوب [۱۰]

شاخص ها	مؤلفه های حکمرانی خوب
مشارکت	تمامی شهروندان بایستی مستقیم یا از طریق نهادهای میانجی در فرایند تصمیم گیری شرکت داشته باشند که چنین مشارکتی بر مبنای آزادی بیان و آزادی انجمن ها صورت می گیرد.
شفافیت	بیانگر ایجاد اعتماد متقابل بین حکومت و عامه ی مردم از طریق تامین اطلاعات با تضمین دسترسی آسان به اطلاعات لازم و کافی است.
قانون مداری	منظور اجرای قوانینی است که برای همه سودمند و ضروری است، بدون استثنا گذاشتن میان هریک از شهروندان، ضمن توجه به حقوق پایه انسانی و ملاحظه ی ارزشهای متداول جامعه
پاسخگویی	پاسخگویی از طریق فرایندهای انتخاب صاحبان قدرت و همینطور از طریق رویه هایی تعیین می شود که بدان طریق، فرایند تصمیم سازی عمومی و نتایجی که آنها به وجود می آورند در راستای تعاملات عمومی و بازخورد آنها مورد حمایت قرار می گیرند.
عدالت	تاکید بر فراهم آوردن فرصتهای برابر برای شهروندان در جهت بهبود رفاه بدون تبعیض میان آنها
مسئولیت پذیری	دلالت بر افزایش حساسیت مدیران حکومتی نسبت به خواسته های حکومتی دارد.
نظارت	داشتن استراتژی مشخص و نگاه راهبردی در جهت نیل به پایداری، توسعه و پیشرفت مناطق با مشارکت شهروندان از طریق فراهم آوردن حس مالکیت و مسئولیت پذیری بین آنها. افزایش تلاشهای نظارتی در اقدامات حکومتی و فرایندهای توسعه با مشارکت بخش خصوصی و عموم مردم.
کارایی و اثربخشی	تضمین اعطای خدمات به عموم مردم با مصرف بهینه و عاقلانه ی منابع در دسترس.
تخصص گرایی	تامین آسان و سریع خدمات ضروری از طریق افزایش ظرفیت شرایط اخلاقی مدیران.

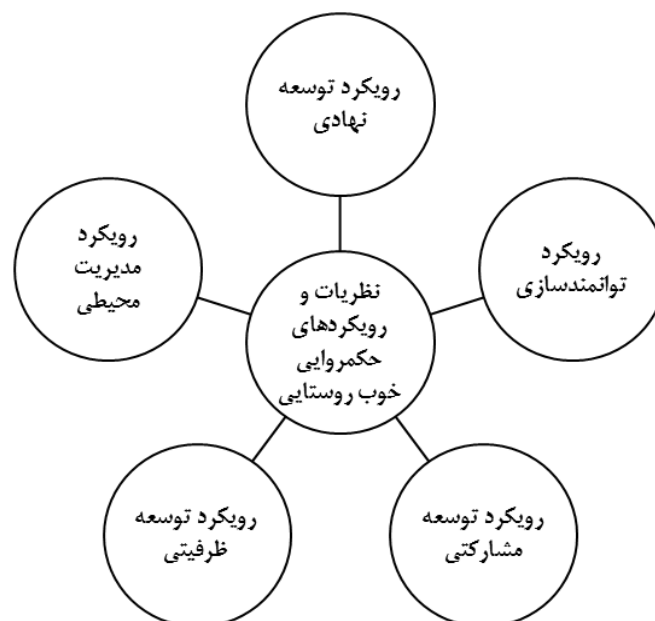
۹- ویژگی های کارکردی حکمرانی خوب و حکمرانی روستایی

در مجموع برای اینکه یک حکمرانی، حکمرانی خوب تلقی گردد باید کارکردهای زیر را داشته باشد: مشارکت جویی، نگرش استراتژیک، قانون گرایی، شفافیت، اجماع آراء، عدالت جویی، سودمندی و کارآیی، پاسخگویی

عموماً اینگونه تلقی می شود که رشد اقتصادی به صورت خودکار، توسعه انسانی را دنبال دارد، اما معمولاً با رشد اقتصادی تنها در برخی جنبه ها توسعه انسانی حاصل می گردد و برخی امور ناقص می ماند. بدون حکمرانی خوب، رشد اقتصادی در جامعه، ناهمگون و ناهماهنگ خواهد بود و منجر به ایجاد شکاف در بخشهای اقتصادی و اجتماعی می گردد. حکومتهای دارای نظام پاسخگویی و قانونگرا به طور گسترده از چنین قطب بندی در بخش منابع، نیروی انسانی جلوگیری می نمایند. حکمرانی خوب مانند بسیاری امور دیگر به صورت تصادفی حاصل نمی شود. بلکه نیازمند قواعد نظام مند و برنامه ریزی دقیق می باشد. حکمرانی خوب نتیجه ی برنامه ریزی خوب، سرمایه گذاری سودمند در بخش مدیریت منابع، مشارکت کارآمد نیروهای رسمی دولتی و غیر رسمی مردمی می باشد. حوزه های فعالیت نظام حکمروایی روستایی را می توان شامل پنج حوزه عملکردهای اداری، مدیریت مالی، ارائه خدمات عمومی، تشدید توسعه بخش خصوصی، مشارکت در تصمیمهای محلی و منطقه ای می باشد [۸].

۱۰- مهم ترین رویکردهای حکمرانی روستایی با تأکید بر مدیریت روستایی

با مطالعه و واکاوی متون و ادبیات مربوط می توان مهم ترین رویکردهای مطرح شده در رابطه با حکمرانی خوب روستا را در شکل (۲) نشان داد:



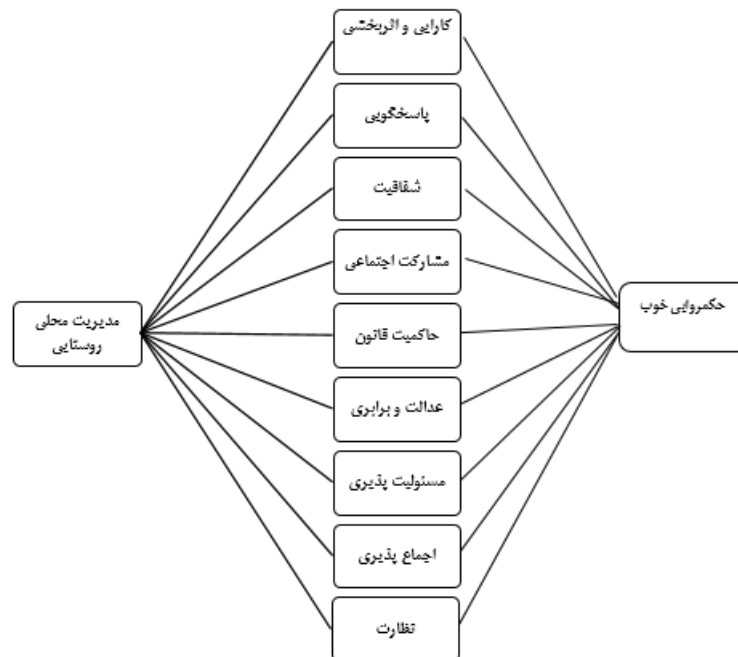
شکل ۲- نظریات و رویکردهای حکمروایی خوب روستایی [۵]

۱۱- تأثیر حکمرانی خوب بر مدیریت روستایی

امروزه در فرآیند مدیریت روستایی جدید، به بازیگران اصلی صحنه مدیریت؛ یعنی سه نهاد مردم، دولت و بازار توجه می شود؛ که اینها با نهادسازی لازم و هماهنگی با شیوه مشارکتی در فرآیند برنامه های توسعه روستایی (تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی) مشارکت و حضور فعال دارند. با این نگرش می توان هدف مدیریت روستایی را ایجاد یک رابطه منطقی و تنظیم شده در میان انسانها و محیط برای رسیدن به رضایتمندی و خشنودی در زندگی مردم مناطق روستایی دانست که در رأس آنها وجود عنصری نهادی برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی روستا ضروری است. در عرصه های روستایی نیز روند گسترش نهادهای مردمی نویدبخش افزایش مشارکتهای مردمی، ارائه خدمات عمومی مناسب و به موقع و ایجاد احساس تعلق در اعضای جامعه روستایی است که همه اینها مدیریت روستایی را به سمت حکمروایی خوب روستایی رهنمون می سازد. در واقع حضور فعال مردم در تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و اکولوژیکی علاوه بر ایجاد شوق و علاقمندی در سطح فعالان جامعه، نویدبخش تسریع در روند توسعه روستایی می باشد. حکمروایی خوب با توجه به ویژگیها و شاخصهای آن، نیازمند دولتی است که زمینه ساز مشارکت سایر بخشها در توسعه باشد. در الگوی جدید، دولت باید ثبات و پایداری در جامعه ایجاد کند، چارچوبهای

قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی وضع کنند و ثبات و عدالت در بازار ایجاد کند، نقش میانجی در مصالح عمومی و اثربخشی و پاسخگویی در ارائه خدمات عمومی داشته باشد حکمروایی به ساده ترین بیان به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمروایی، کارآمدی حکومت تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است [۲۷].

[۲۱] در پژوهش خود با توجه به ادبیات تحقیق و مطالعات انجام شده مدل مفهومی زیر را برای ارتباط حکمروایی خوب با مدیریت روستایی با تاکید بر بهبود مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص های حکمروایی خوب مطرح نموده است (شکل ۳):



شکل ۳- مدل مفهومی ارتباط حکمروایی خوب با مدیریت روستایی [۲۱]

۱۲- نتیجه گیری

امروزه بدلیل تنوع فعالیتهای توسعه روستایی، حضور سازمانها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در راستای انجام وظایف خود در روستاها اجتناب ناپذیر است. حکمرانی نقش انکار ناپذیری در توسعه روستایی دارد. حکمرانی خوب از طریق استقرار شاخصهای حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد باعث توسعه روستاها می شود. دولت در سالهای اخیر به دنبال افزایش مشارکت مردم در تمامی سطوح کشور از جمله روستاها بوده و ایجاد سازوکارهای مدیریتی همچون شوراهای روستایی و دهیارها در این جهت بوده است. می توان گفت که مدیریت مشارکتی روستایی سرانجام جامعه روستایی را به سوی استفاده از برنامه ریزی مشارکتی روستایی سوق می دهد، زیرا برنامه ریزی روستایی با مدیریت مشارکتی، تلاشی برای سازماندهی اشکال تغییرات برای دستیابی به بازتوانی و تولید انرژی به منظور حداکثرسازی آسایش، رفاه و خوشبختی جامعه روستایی در ابعاد؛ پنجگانه ی انسانی، اقتصادی، سیاسی، محیطی، و علمی است.

حکمروایی روستایی به عنوان فرایندی جدید در حکومت با دارا بودن شاخصهای خاص خود می تواند مباحث نوینی در زمینه مدیریت روستایی مطرح کند و سبب توانمندسازی ساکنین نواحی روستایی در زمینه های متفاوت مدیریت اعم از تصمیم سازی، اجرا و ارزیابی گردد. حکمروایی خوب روستایی در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان امری پذیرفته شده است و با وجود برخی چالشهای موجود در حال اجرا می باشد. احساس نیاز کشور به ایجاد و پیاده سازی این مدل کاملاً محسوس است و تنها مساله ایجاد انگیزه و حمایت لازم برای تحقق آن است. با وجودی که این مدل در ایران سابقه کمی دارد، با توجه به مطالبی که ذکر گردید،

مطالعات انجام شده و با عنایت به زمینه مناسب در کشور پیشنهادهای زیر برای پیاده سازی رهیافت حکمرانی خوب در روستاها و کاهش مشکلات مدیریت توسعه روستایی ارائه می شود:

- آموزش روستاییان بطور مستمر برای مشارکت در برنامه های مختلف توسعه ای (طراحی تا اجرا)
- برگزاری کارگاه های مشارکتی و برنامه ریزی مبتنی بر نیازهای واقعی و منطقی روستا
- حمایت های مادی و معنوی و اعطای اعتبارات لازم به روستاها، تقویت تعاونیها و انجمنها در راستای استفاده از تواناییها و ظرفیتهای خوداشتغالی و کارآفرینی
- آموزش های لازم به روستاییان در راستای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست
- سپردن امور به روستاییان در راستای افزایش حس مسئولیت پذیری

۱۳- منابع

۱. کبیری، ا و ولایی، م. (۱۳۹۵). اثرات سرمایه اجتماعی در تحقق حکمروایی خوب روستایی (مطالعه موردی: دهستانهای زرینه رود و مرحت آباد شمالی، میاندوآب). فصلنامه فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال هجدهم، شماره ۶۴، صص ۷۵-۹۷.
۲. ایمانی جاجرمی، ح. و فیروزآبادی، ا. (۱۳۸۶)؛ بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی با تأکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعیه دوره پانزدهم، شماره ۳۲، صص ۹۱-۱۱۱.
3. Dekker, K. & Kempen, R. (2004). Urban governance within the big cities policy Ideals and practice in Den Haag, the Netherlands. *Cities*, Vol. 21, No. 2, p. 109-117.
۴. دربان آستانه، ع.، رضوانی، م. ر.، مطیعی، س. ح. و بدری، س. ع. (۱۳۸۹). سنجش و تحلیل عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی (شهرستان قزوین). پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۷۳: ۱۱۸-۷۳.
۵. نوروزی، ا و ابراهیمی، ا. (۱۳۹۷). تحقق پذیری شاخص های حکمروایی خوب در نواحی روستایی شهرستان لنجان. نشریه علمی پژوهشی برنامه ریزی توسعه ی کالبدی، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۰۹-۹۳.
۶. بدری، س. ع. (۱۳۹۰). چالش های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست های راهبردی. فصلنامه رهنامه سیاست گذاری، سال ۲، شماره ۳: ۱۷۹-۱۴۷.
۷. اسماعیل زاده، ح. و صرافی، م. (۱۳۸۵)، جایگاه حکمروایی خوب برنامه ریزی شهر در طرح مترو تهران. فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، در شماره ۴۸، صص ۲۸-۱.
۸. علییگ، ا. (۱۳۹۲). مشارکت شهروندی گامی جهت تحقق حکمروایی خوب، فصلنامه ایران شهرساز، شماره ۴: ۲۶.
۹. رکن الدین افتخاری، ع.، سجادی قیداری، ح. و عینالی، ج. (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲: ۳۶-۱.
۱۰. پازکی، م. شیحی، د و صمدی مقدم، د. (۱۳۹۹). تحلیل نقش مدیریت مبتنی بر حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: دهستان نیلستان: شهرستان پاکدشت. فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال هجدهم، شماره ۵۸، صص ۱۱۲-۹۳.
۱۱. صفایی پور، م.، امانپور، س. و نادری چگنی، ز. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل میزان تحلیل میزان تحقق پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم آباد. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال ۵، شماره ۱۷: ۱۳۰-۱۱۵.
۱۲. میدری، ا. (۱۳۸۵). مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه رفاه، اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۲: ۲۸۸-۲۵۹.
13. UNDP. (2008). UNDP, Human development report. Available on line: <http://hdr.undp.org>.
۱۴. نادری، م. م. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقدی اجمالی. اسلام و پژوهش های مدیریتی. سال ۱، شماره ۱: ۹۳-۶۹.
15. Bemile, R. & Boateng, R. (2015). Promoting good governance through information and communication technology in resource-poor contexts. Conference paper- proceedings of the Africa digital week.

۱۶. امینی شاد، ع؛ منوریان، ع و امید، م. (۱۳۹۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب در شهرداری تهران. فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، سال سی ام، شماره ۱۸، صص ۲۴-۱.
17. Kardo, M.(2012). The reflection of good governance in sustainable development strategies. 8th international strategic management conference, procedia, social and behavioral science.
18. UNDP.(2000). The role of good government in promotion of human rights, CHR-Resolution, 2000, available at: <http://www.amuh.org/final/02/chr-IIO,PDF>.
۱۹. کوهستانی، ح. و قاسمی، ن. (۱۳۹۳). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه پایدار روستایی. اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افاق ۱۴۰۴، اصفهان، شهریور.
۲۰. رکن الدین افتخاری، ع و بدری، ع. (۱۳۹۳). بنیانهای نظریه ای الگوی توسعه ای روستای نمونه. انتشارات استانداری گیلان، چاپ اول، تهران، صص ۲۶-۲۳.
۲۱. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۸). ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص های حکمروایی خوب (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر). فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال هفدهم، شماره ۵۷، صص ۱۴۷-۱۳۳.
۲۲. موسوی، س.ع؛ طالشی، م و دربان آستانه، ع. (۱۳۹۶). تدوین و اعتبارسنجی شاخص های بومی حکمروایی خوب روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۱۶، شماره ۴۹، صص ۵۳۳-۵۱۱.
۲۳. پایسته، م؛ کلاهی، م و عمرانیان خراسانی، ح. (۱۳۹۹). معیارها و شاخصها: الزامی برای شناخت، بکارگیری و ارزیابی حکمرانی خوب در منابع طبیعی. نشریه آب و توسعه پایدار، سال هفتم، شماره ۱۰، صص ۲۲-۱۳.
۲۴. صانعی، م. (۱۳۸۵). حکمرانی خوب؛ مفهومی نو در مدیریت شهری. ماهنامه تدبیر، سال ۱۷، شماره ۱۷۸.
۲۵. منوریان، ع. (۱۳۷۹). از دولت خوب تا حکم و متداری خوب. فصلنامه مدیریت دولتی، سال ۲، شماره ۴۹: ۲۵-۹.
۲۶. عیوضی، م.ع. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره). فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی-پژوهشی). سال ۵، شماره ۱۹: ۱۳۷-۱۱۷.
۲۷. رضایی، م. ر، علیان، م. و خاوریان، ع.ر. (۱۳۹۱). نقش و جایگاه حکمروایی خوب روستایی و ضرورت آن در مدیریت روستایی. همایش ملی توسعه روستایی، قابل دسترسی در:

http://www.civilica.com/Paper-NCRURALDEV01-NCRURALDEV01_218.html.